

شعره باشد . گویند یکی از نویسندگان در قرن چهارم قبل از مسیح خواست در انقضاء منظومات هم بر آید مردم بر او شوریدند و او را دستگیر نموده بدار زدند و سنگسار نمودند

همه این مقام را فقط نزد ملت خود نداشته بلکه رومن ها و سنی که جانشین آنها شده اند اهمیت و شان نزدیکی برای وی قائل گردیده اند . ملت لاتین همچنانکه باشعار ویرژیل ترنم میکند باشعار همرتی مینماید . در سورتیکه ویرژیل خود را شاعر گرد و مرید همر میداند و بقرائت منظومات او همیشه حریص میباشد . ویرژیل دیوان خود را با سوابق ایلید منظوم ساخت و سبک استاد خود را پیروی نمود . ملت اروپا از ابتدای ظهور و تشکیل خود بهمر و اشعار او نیاز مند بوده اند ، بلاوه اشعار همر نزد ملت لرور در میان تمام آثار نظمی بشر برجسته و ممتاز بلکه دارای رتبه اول است

در قرون وسطی بعضی از طبقات عامه ملت اروپا اشعار همرا بجای دعا و حرز نگاهبان خویش قرار میدادند و همچنانکه در میان ما برای روشن شدن پیش آمده ها دیوان حواجه تعال میزینیم در قرون وسطی هم اشعار همرا برای استخراج صیغیات استعمال میکردند جمعی از اطباء مشهور بعضی از بیماران را بشعر همر مسالجه رساندند مثلا ولتیکه میخواستند « تب رچی » را مسالجه کنند میگفتند نسخه ای از سرود چهارم اینیاد زیر سر مرصع نگذارند منظومات همر نزد مشاخرین هم پنداره ای

بود استاد و استشهاد واقع میشود که تمام مورخین و نویسندگان و ادباء احوال این نابه را شاهد و سند خود قرار میدهند

در لغات ملل رأیه کنونی دیوان همز نظماً و شراً ترجمه گردیده و در غالب مدارس اصل و ترجمه آن از تکالیف کلاسی است . اگر قلماء او را بلقب « شاعر » بلقب ساخته بودند متاخرین وی را بلقب « امیرالشعراء » می ستایند

اکنون که همه ای از اهمیت همز و آثار او بین کردیم بتاریخ و سرگذشت جانش میردازم

زلد گمانی همز

حسن تحسس و کنجکامی با طبیعت این شاعر آینه بود و هر چه میدید میخواست ریشه و حقیقت آن را بدست آورد و هر چه میشنید آن را تحلیل میکرد تا اصل و مبدا آنرا بفهمد . بکنفر کشتی بن که بمصاحبت و مؤانست همز سیر شیفته و علاقه مند بود هر وقت که با همزی نشست محاسن سفر را شرح میداد و شهرها و مکانکی را که دیده بود بک بیان میکرد همز این موقع در عنفوان شباب بود و از مشقت های سفر اطلاع نداشت . بیادت کنی بن شوق مسافرت را در او ایجاد کرد و کشتیان بوی وعده داد که میتواند همز را سوار کشتی خود کند و آنبسی شاعر را در مسافرت تعیین نماید . همز مدتی ای که در ازبک بزم کرده و آن را محفل ادب و آشنایان علم و حکمت قرار داده بود ترک نمود و مسافر دریا شد . در

شمرده میشد. گویند یکی از نویسندگان در قرن چهارم قبل از مسیح خواست در انتقاد منظومات هم بر آید مردم بر او شوریدند و او را دستگیر نموده بدار زدند و سنگار نمودند

همه این خاتم را حفظ کرده ملت خود نداشته بلکه رومن ها و ملی که جانشین آنها شده اند اهمیت و شان بزرگی برای وی قائل گردیده اند. ملت لاتین همچنانکه باشعار ویرژیل ترنم میکند باشعار هم تهنی مینماید. در سورنیکه ویرژیل خود را شاگرد و مرید هم میداند و بقرائت منظومات او همیشه حرص میبود. ویرژیل دیوان خود را با سلوب ایلید منظوم ساخت و سبک استاد خود را پیروی نمود. ملل اروپا از ابتدای ظهور و تشکیل خود همه و اشعار او نیاز مند بوده اند، بهلاوه اشعار هم نزد ملل اروپا در میان تمام آثار نظمی بشر برجسته و ممتاز بنامه دارای رتبه اول است

در فزون وسطی بعضی از طبقات عامه ملل اروپا اشعار هم را بجای دعا و حرز نگاهبان خویش قرار میدادند و همچنانکه در میان ما برای روشن شدن پیش آمده ها دیوان جوابیه تغزل میزنیم در فزون وسطی هم اشعار هم را برای استخراج مہیات استعمال میکردند جمعی از اطباء مشهور بعضی از بیماران را بشعر همرمعالجه مینمودند مثلا وقتیکه میخواستند «تب رسی» را معالجه کنند میگفتند نسخه ای از سرود چهارم ایلید زیر سر مرخص نگذارند منظومات هم نزد متاخرین هم باندازه ای

مورد استاد و استشهد واقع میشود که تمام مورخین و نویسندگان و ادباء اقوال این قلم را شاهد و سند خود قرار میدهند

در لغات ملل راهبه کنونی دیوان عمر نظماً و شراً ترجمه نگردیده و در غالب مدارس اصل و ترجمه آن از تکالیف کلاسی است. اگر ندانم او را بلقب « شاعر » بلقب ساخته بودند متاخرین وی را بلقب « امیر الشعراء » می ستایند.

اکنون که سه ای از اهمیت عمر و آثار او بیان کردیم بتاریخ و سرگذشت حیاتش میپردازیم

زندگانی همسر

حسن نحس و کنجکاو با طبیعتان شاعر آینه بود و هر چه میدید میخواست ریشه و حقیقت آن را بدست آورد و هر چه میشنید آن را تخیل میکرد، اصل و مبدأ آنرا بفهمد، بکثرت گشتی زن که بمصاحبت و مؤانست عمر سیر شیفته و علاقه مند بود هر وقت که با همری نیست مجالس سفر را شرح میداد و شهرها و مکانکی را که دیده بود بیادش بیان میکرد همرازمی جویع در عثمانی شبها بود و از منقبت همی سفر اطلاع نداشت، بیعت گشتی در شوق مسافرت را در او ایجاد کرد و گشتیبان بوی و عده داد که میتواند همرازمی سوار گشتی خود کند و آنش شعر را در مسافرت تأمین نماید، همردرسه ای که در ازمین عز کرده و آن را محفل است و آشیانه علم و حکمت قرار داده بود ترک نمود و مسافر در آمد، در

این مسافرت طولانی معلومات زیاد پیدا کرد و چون مغز
پر شور و دل بیدار و طبیعت کنجگاو داشت از این سفر يك
سنگه اطلاعات عمیقی بدست آورد

گشتی سواحل اسپانیا را هم در نوردر و رهسپار از سیر
شد و از آنجا به سمت تیاکی (۱) حرکت نمود. در تیاکی
هم در دمیتهای چشم شد رفیق و دوست گشتی بان او بانهایت
ای مینی مجبور گردید و برا یکی از دوستانش که از
اطالی آن جزیره و موسوم به متر (۲) بود بسیار .
متر هم را بخانه خویش بدررفت و این میزبان شخصی
مهمان نواز و کریم بود و بصفات اخلاقی و کرامت نفس
شهرت داشت بان مناسبت میهمان جوان و پرشور او می
خواست در سال خیال خود رود و بتحقیق و تجسس و
استقصا سردارد. هم در بستر بیداری افتاده بود ولی
درع او همواره مشغول کار بود و طرح منظومه ادیسه
را می ریخت. هم در این منظومه پاس مهمان نوازی
متر را نه آورده و نام او را که مرادف با حکمت و
حسن ذکر نموده در تاریخ جهان مخند ساخته است

همه میهمان متر باقی بود. گشتی بان مراجعت
کرد و او را بگشتی باز برد و نزه سیر و سیاحت
متر را شروع نمودند. به کولوفون رسیدند در آنجا
در آنجا هم هم میهمان متر را برد که بکلی نابینا گردید
عصر که او را به ساحل سیر و سفر چشم پوشیده

(۱) نام جزیره یونان است *Thiaki*

(۲) *Mentor*